

ساختار خانواده و تاثیر آن بر جایگاه سالمندان (مورد مطالعه: شهر تهران)

باقر ساروخانی^۱، مینا قریب^۲

چکیده

خانواده به عنوان گروه نخستین، متولی امور حضانت از اعضای خود است. این مقاله در صدد یافتن علل ساختاری خانواده‌هایی است که با دفع یا طرد سالمند خود، این وظیفه را مغفول گذاشته و سالمند را به سرای سالمندان می‌سپارند. مقایسه عوامل ساختاری در دونوع خانواده که پذیرای مراقبت سالمند خود هستند و خانواده‌ای که سالمند را به سرای سالمندان می‌فرستند، مهم‌ترین هدف این پژوهش بوده است. روش پژوهش توصیفی - تبیینی، از نظر هدف کاربردی، از نظر میزان ژرفایی پهنا نگر و از نظر زمانی مقطعی بوده است. داده‌ها باروش پیمایش و ابزار پرسشنامه محقق ساخته در بین دو گروه ۲۰۰ نفره از سالمندان مقیم منزل (با نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای) در مقایسه با ساختار خانوادگی سالمندان مقیم سرای سالمندان کهریزک (با روش نمونه‌گیری تصادفی) انجام شده است. اعتبار ابزار نیز با استفاده از اعتبار صوری و پایایی آن با استفاده از پایایی همسانی درونی (الفای ۰/۸) سنجیده شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که نگه‌داشت یا طرد سالمند از خانواده، تابعی از نحوه ارتباطات، مفاهمه، وفاق و هنر مدیریت گفت‌وود در خانواده است. بین ساختار خانواده در زمینه اعتماد درون خانوادگی و جایگاه سالمند در خانواده ارتباط وجود دارد. میزان همدلی در درون خانواده، عنصر معنا داری در نگه‌داشت یا طرد سالمند است. وضعیت پایگاه اجتماعی - اقتصادی سالمند در جایگاه او موثر بوده است و بالاخره اندازه مکان زندگی خانواده در "جذب" یا "دفع و فرستادن سالمند به سرای سالمندان" موثر است.

واژه‌های کلیدی: سالمند، ساختار خانواده، سرای سالمندان، همدلی، اعتماد، پایگاه اجتماعی - اقتصادی، شهر تهران.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۰۲/۱۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۰۵/۲۵

^۱ . استاد گروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.

^۲ . دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران (نویسنده مسئول). minagharib31@gmail.com

مقدمه

خانواده به عنوان گروه نخستین، در تمام دیدگاه‌های موجه همواره پرچم دار حراست از نسل هاست. حراست از فرزندان به طور غریزی هم زمان با ولادت هر کودک، فرض مسلمی در اولویت های هر خانواده محسوب می شود. به طریق اولی سالمندان نیز به واسطه اشتراک نسلی و نیز ناتوانی اجتناب ناپذیر در رده سنی خاص، طبق توصیه‌های دینی و فرهنگی قاعدتا مشمول عنایت و مراقبت خانوادگی قرار می گیرند. در جوامع امروزی، همزمان با رشد پدیده توسعه یافتگی و اعمال سیاست های مبتنی بر کنترل موالید، طول عمر و امید به زندگی در سالمندان بیشتر شده و در آینده ای نه چندان دور از هر پنج نفر، یک نفر سالمند خواهد بود. انتظار می رود جمعیت سالمندان جهان در طی سالهای ۱۹۹۵ تا ۲۰۳۰ میلادی از رقم ۹ درصد به ۱۶ درصد برسد، که در آسیا از ۳/۹ درصد به ۶/۱۸ درصد، در اروپای شرقی از ۱۷/۷ درصد به ۲۵/۲ درصد، در فرانسه از ۲۰/۹ درصد به ۳۷/۶ درصد، در آلمان از ۲۲/۳ درصد به ۴۱/۶ درصد، در ژاپن از ۱۶/۲ درصد به ۳۷ درصد، و در ایران از ۵/۶ درصد به ۱۷/۵ درصد خواهد رسید. مقایسه آمار نشان می دهد که روند پیری در آسیا به مراتب سریع تر از کشورهای ذکر شده است (رضایی و منوچهری، ۱۳۸۷). با توجه به کثرت جمعیت سالمندان در راستای توسعه اجتماعی و اقتصادی؛ برای مراقبت از جسم و روان سالمندان و تامین امنیت و آرامش فکری در کنار تامین بهداشت و رفاه این قشر از بدنه خانواده، مسئولیت متوجه خانواده هایی است که با سالمند یا سالمندانی در ارتباط هستند. مساله اصلی در این مقاله واکاوی مشکلات سالمندانی است که با خالی شدن سبد خانواده در پايیز زندگی، دچار وضعیتی پیش بینی نشده و پیامدهای ناخواسته طرد شدگی می شوند. هدف، پاسخ به این سوال است که چه عوامل علی و چه نوع ساختار خانوادگی موجب طرد سالمند از خانواده می شود. این پذیرفتنی است که در طول یک دوره تاریخی، خانواده دست خوش تغییرات اساسی و بنیانی شده که از عوامل مختلفی چون تغییر شیوه زندگی، نوع معیشت، تکنولوژی، مصرف و تغییر نگرش نسبت به زندگی متاثر است. تغییرات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در جامعه مناسبات درونی خانواده را نیز دستخوش تحولات ساختاری و ایدئولوژیکی کرده و نگرش به سالمند نیز تغییر کرده است. سرای سالمندان از نهادهای جدیدی است که با تقسیم کار اجتماعی، همراه صنعتی شدن به یاری برخی خانواده ها آمده؛ گرچه این نوع نهاد های خدماتی گاه در موارد اضطراری سعی در پر کردن جای خانواده برای سالمند را دارد، اما با توجه به برخی مطالعات در مورد احساس سالمندان از اقامت در سرای سالمندان (رضایی و منوچهری، ۱۳۸۷؛ عزیزاده و همکاران، ۱۳۸۹؛ صابریان و همکاران، ۱۳۸۵؛ میرزایی و شمس، ۱۳۸۸؛ مختاری و قاسمی، ۱۳۸۹) حاکی از این حقیقت است که، سالمندان ساکن در سرای سالمندان از وضعیت روانی و عاطفی نامطلوب تری نسبت به سالمندان ساکن در خانه و در بین خانواده برخوردارند. این مقاله با توجه به وضعیت آنومیک جامعه در حال گذار ایران و بالاخص تغییرات ساختار خانواده هسته ای به واسطه تحویلات و اشتغال زنان به عنوان تیمارداران سالمندان در خانواده با روشی توصیفی-تبیینی و هدف مقایسه ساختار "دو گونه خانواده جاذب و خانواده دافع سالمند"، سعی در پاسخ به این سوال دارد که چه عوامل ساختاری در انواع خانواده های ایرانی موجب حمایت و جذب و یا دفع و طرد سالمند یا فرستادن او به سرای سالمندان می شود.

ادبیات و چارچوب نظری

سالمندی همواره با دستاورد محتوم کم توانی بدنی، فکری و روحی، گرچه امری نسبی است، اما دیر یا زود به سراغ همه به شرط طول عمر می آید. با نگاه به گذشتگان، جایگاه سالمندی حاوی سرمایه فردی با بار تجربی رهنمودی برای جامعه تلقی می شده است، حال آنکه امروزه با تمدید طول عمر سالمندان در جوامع صنعتی، نه تنها از تکریم تجارب آنان خبری نیست، بلکه پدیده عصر حاضر به نام دوران بازنشستگی به آنان نوعی انگ پایان تاریخ مصرف وجودی در ایفای نقش اجتماعی اشان را می زند. معمولا در دوران بازنشستگی به خصوص مردان با بزهت انزوا سخت کنار می آیند. در صحبت از سالمندی و حمایت از سالمند همیشه نقطه اتکا و مشارکت مثبت در حمایت از سالمند به عهده خانواده است. در نگاه سنتی و نظریه نقش پارسونز، تقسیم آمرانه

کار در خانه و بیرون معین بوده، وظیفه حضانت از اطفال و سالمندان را به زنان می سپردند. پارسونز معتقد است که برای دست یابی به حداکثر کارکردهای خانواده هسته ای بایستی دو شرط پایه ای وجود داشته باشد. اولین شرط وجود دو قطب مخالف رهبری و زیردستان است و دومین شرط عبارت است از وجود اختلاف در میان نقش ها. وی معتقد است تنها با وجود تقسیم نقش براساس جنس، امکان بقا و همبستگی خانواده ایجاد می شود. از نظر پارسونز با تقسیم نقش محدود، وظایف والدین مشخص می شود و براین اساس از رقابت ناشی از عدم تعریف وظایف کاسته می شود. از نظر وی این یک هنجار است که بایستی از سوی اعضای خانواده شناخته شود (اعزازی، ۱۳۸۲: ۷۱). همچنانکه ملاحظه می شود از نظر پارسونز، اولین شرط دستیابی به حداکثر کارکرد در خانواده تفکیک دو وظیفه «تصمیم گیری» و «انجام» و ایفای وظیفه «تصمیم گیری» از سوی رهبر (مرد) و ایفای وظیفه «انجام» از سوی زیردستان (زن و فرزندان) بی آنکه بین دو بخش رهبری و زیردستان مشارکت وجود داشته باشد، است. اما مطالعات رابرت^۱ و هلن لیندر^۲، در میدل تاون^۳ و آزمون مجدد آن توسط کاپلا^۴ بعد از حدود ۵۰ سال، که از پژوهشهای مشهور در زمینه مشارکت بر اساس الگوی نقشها در خانواده بوده است، نتیجه ای متفاوت با نظر پارسونز را نشان می دهد. دگرگونی های اخیر در خانواده اهمیت مشارکت نقشها در این نظام را تشدید کرده است. فنتاکیس^۵، اعتقاد دارد که یک «انقلاب نرم» باعث دگرگونی در نظام نقشی در خانواده شده است (صادقی پور، ۱۳۹۲). امروزه با تغییرات در حوزه خانواده ثابت شده که کیفیت ارتباطات انسانی، اعتماد درون خانوادگی و همدلی در درون خانواده عامل شکل گیری همکاری خانوادگی است. اگر به تعبیر یان کرایب^۶ جامعه شناسی را علم فهم تفسیری کنش اجتماعی در راه رسیدن به تبیین علی بدانیم، «کنش عبارت از تمام رفتارهای انسانی است که در آن فرد کنشگر معنای ذهنی به رفتارش نسبت می دهد. کنش در این معنا ممکن است مشهود یا صرفا درونی یا ذهنی باشد، ممکن است شامل مداخله مثبت در یک موقعیت، یا خودداری عمدی از چنین مداخله ای با پذیرش منفعلانه وضعیت باشد. کنش در صورتی اجتماعی است که به صرف معنای ذهنی که فرد یا افراد کنشگر به آن نسبت می دهند، رفتار دیگران را به حساب آورده و بدین ترتیب بر اساس آن جهت گیری شود» (یان کرایب، ۱۳۸۴: ۹۶). وبر^۷، به عنوان نظریه پرداز کلاسیک و جبر گرای فرهنگی در تفسیر کنش انسانی که مشخصا از حیث معنا و بار فرهنگی با رفتار متفاوت است؛ چهار نوع کنش معنا دار را از هم تشخیص می دهد، گفتنی است که تفاوت این کنشها در درجه معناداری شان و بنا براین در درجه عقلانیت شان است. کنش اول کنش سنتی است که به مرز امر عقلانی نزدیک است، قسمت اعظم تمام کنشهای روزانه که مردم به آنها عادت کرده اند به این نوع کنش نزدیک است. نوع دوم کنشی که اساس آن عاطفی است امری کاملا انفعالی و در حاشیه امر عقلانی است، ولی هر چه بیشتر کنترلی بر آن اعمال شود بیشتر عقلانی می شود. سومین نوع کنش ارزشی و به دنبال ارضای خویش و به شیوه- ای خود آگاهانه به سوی کسب ارزش غایی است. چهارمین و عقلانی ترین نوع کنش؛ زمانی است که هدف، وسیله و پیامدهای فرعی همگی به حساب آمده و سنجیده شده، به طرز عقلانی به سوی نظامی از اهداف خاص مجزا متمایل شود (همان: ۱۰۰).

جدول ۱: انواع کنش

معنای ذهنی موارد زیر را در بر می گیرد:				انواع کنش در نظم نزولی عقلانیت
پيامدها	ارزش	هدف	وسيله	
+	+	+	+	عقلانیت هدفمند
-	+	+	+	عقلانیت ارزشی
-	-	+	+	عاطفی
-	-	-	+	ستی

(پیوزی، ۱۳۷۹: ۳۴)

وبر واژه فهم همدلانه^۸ را به معنی نوعی احساس یگانگی عاطفی با کنشگری که در صدد درک او هستیم، به کار می برد (همان: ۱۰۲). وبر با نمونه آرمانی کنش در نظریه پردازی جامعه شناسی کلاسیک به تفهم و همدلی در برداشت درست از معانی ذهنی کنشگران تاکید فراوانی دارد. وی با الهام از دیلتای، توجه به گذشته تاریخی و روانشناسی کنشگران را در فهم درست از اعمال آنها شرط اساسی کنش ارتباطی توأم با مفاهمه و همدلی می داند. در باره هنر مدیریت گفتگو در خانواده، در این پژوهش از مفهوم مفاهمه و همدلی در خانواده از نظرها بر ماس که از جمله متفکران حلقه انتقادی مکتب فرانکفورت است، استفاده شده، راهکاری که وی برای رسیدن به کنش ارتباطی سازنده توأم با درک متقابل و تفهم ارایه می کند، تنها راه رهایی از تنگناهای مدرنیته، عقلانیت ارتباطی است که او عقلانیت انتقادی را در گرو این عقلانیت می داند. هابرماس با الهام از ماکس وبر^۹ و مارکس^{۱۰} و فروید^{۱۱} با انتقاد از مدرنیته و با بررسی جوامع ستی و سرمایه داری اولیه، نظریه کنش ارتباطی^{۱۲} را در مقام مقابله بشر (سلطه ففس آهین مدرنیته)، سکه زد^{۱۳}. در این راستا هابرماس راهکار خروج از بحران عقلانیت مدرن را تمسک به "عقلانیت ارتباطی" به مفهوم ارتباط رها از سلطه دیده و بدین چاره به نظر وی "انسان از خود بیگانه شده عصر مدرن" می تواند از "ففس آهین بورکراسی مدرن" آزاد و رها شود. او معتقد است برای رسیدن به جامعه ای عقلانی باید به ارتباطی رها از سلطه برای از بین بردن موانع تحریف ارتباط انسانها در بیان آزادانه افکارشان کمک کرد. ریشه اندیشه هابرماس از تفسیر عقلانیت کنش وبر گرفته شده و وی به مغفول ماندن کنش معطوف به ارزش که می توانست هم پای کنش معطوف به هدف پیش برود، معترض است. هابرماس می گوید: با پیشرفت تکنولوژی و علم، بشر در دنیای امروز چه بیشتر عنان خود را به دست عقلانیت معطوف به هدف داده و خود را در ففس آهین سرمایه داری محبوس کرده است. عرصه زیست جهان تحت سلطه نظام سرمایه داری خالی از کنش ارتباطی شده و سلطه زور و پول نظام، زیست جهان بشر را با فراگیری عقلانیت ابزاری، دچار از خود بیگانگی ساخته است. سلطه عقلانیت ابزاری در بوروکراسی، عقلانیت ذاتی یا عقلانیت معطوف به ارزش را مورد هجوم قرار داده و آزادی انسانها را سلب کرده است به نحوی که ارزشهای اخلاقی که موجب معنا بخشیدن به زندگی انسانها می شود تحت الشعاع عقلانیت معطوف به هدف و عقلانیت ابزاری قرار گرفته و تحریف شده است. او معتقد است مدرنیته به طور کامل اجرا نشده و به عبارتی پروژه مدرنیته ناتمام است. راهکار او کنش ارتباطی است که آن را در مقابل کنشهای راهبردی طرح می کند. در کنش ارتباطی، کنشهای افراد در گیر، نه از طریق حسابگریهای خودخواهانه موفقیت، بلکه از طریق کنشهای تفاهم آمیز هماهنگ می شود. افراد دخیل در کنش ارتباطی اساساً در بند موفقیت شخصی شان نیستند، بلکه هدف هایشان را در شرایطی تعقیب می کنند که بتواند برنامه های کنشی شان را بر مبنای تعریف هایی از موفقیت مشترک، هماهنگ سازند (ریترز، ۱۳۸۰: ۲۱۱). در حالی که هدف کنش معقولانه و هدفدار دستیابی به یک هدف است، هدف غایی کنش ارتباطی، دستیابی به تفاهم ارتباطی است. از آن جایی که یکی از عناصر مهم کنش ارتباطی، عنصر گفتار است، در اینجا عقلانیت به معنای از میان برداشتن موانعی است که ارتباط را تحریف می کنند، اما به معنایی کلی تر، نظامی ارتباطی است که در آن، افکار، آزادانه ارایه می شوند و در برابر انتقاد حق دفاع دارند؛ طی این نوع استدلال، توافق غیر تحمیلی توسعه می یابد (همان: ۲۱۱). موضوع رسیدگی خانواده به سالمند

و روابط فیما بین خانوادگی از عواطف و جامعه شناسی احساس که حوزه جدیدی در جامعه شناسی است نشأت می گیرد. کمپر^{۱۴} یکی از پیشگامان در جامعه شناسی احساسات است. او چهار احساس اصلی و اولیه را: ترس، عصبانیت، شادی، رضایت و ناراحتی، و افسردگی می شمارد که، می توانند به ترکیبات و اشکال پیچیده تری بسط یابند و احساسات پیچیده تر و مهمتری مانند احساس گناه، شرم، افتخار، حسادت و عشق را در مشارکت خانوادگی پدید آورند. یکی از مهمترین نیازهای روحی سالمندان نیاز به اعتماد است: افراد در همه موقعیت ها نیازمند آن هستند که احساس کنند: الف) رفتارهای دیگران قابل پیش بینی است ب) واکنش های دیگران مطابق با رفتار فرد است ج) واکنش های دیگران صادقانه است و د) واکنش های دیگران دلالت بر احترام به «خود» دارد. هنگامی که برای افراد این اجزای اعتماد در یک رابطه دوسویه تحقق یافت، احساسات مثبتی را تجربه می کنند (صادقی پور، ۱۳۹۲). نتایج مطالعات در باره دوران سالمندی و بازنشستگی نشان می دهد که، این دوره انتقالی که کم و بیش با تغییرات در عملکردهای بیولوژیک، شناختی و رفتاری همراه است، متضمن کاهش در آمد و گاه فقر برای خانواده، با پاییز زندگی همراه بوده و بالقوه غم انگیز است.

آهنگ سریع فن آوری و تکنولوژی امروزه نقشهای تخصصی جدیدی را اقتضا می کند که نیاز سالمندان به جوانان را بیش از پیش ایجاب می کند. دیدگاه کارکردگرایی با نگرشی خوش بینانه به رفع نیاز سالمندان در جهت ایجاد تعادل و ثبات در خانواده نگاه می کند، و به نظر ویلیام کامینگ^{۱۵} و هنری^{۱۶} فرایند دو سویه واگذاری نقشها از سوی سالمندان به اعضای جوان جامعه به طور مسالمت آمیز پذیرفته شده است از آن جا که جامعه باید سر پا و زنده به فعالیت ادامه دهد، لذا کارها باید از سالمندان به جوانان تفویض شده و افراد نا توان با سپردن نقشهای خود، جا را برای اشغال سمتها در جامعه به جوانان سپرده و خود به استراحت بپردازند. این در حالی است که دیدگاه کشمکش^{۱۷} نظری غیر از این دارد و تبعیض سنی اعمال شده از سوی نظام اجتماعی را نوعی نابرابری ساختاری در جامعه می بیند که طی آن قدرت میانسالان با کنترل منابع کمیاب در جامعه سالخوردگان را منزوی کرده و باعث افت پایگاه اجتماعی و اقتصادی آنان شده و فرودستی را با برجسپهایی نظیر بازنشسته در این قشر تثبیت می کند تا منابع را در اختیار بگیرد. اصحاب نظریه کشمکش جامعه را عرصه رقابت و تنازع بقا می بینند که برای حق باید جنگید و ضعیف پامال می شود. از این نظریه در مورد ارتباط پایگاه اجتماعی - اقتصادی با جایگاه سالمند در خانواده استفاده شد. فرانوگرایان^{۱۸} با دید تحول یافته معتقدند که در جوامع صنعتی معاصر میانسالی و پیری به لحاظ اجتماعی دگرگون شده است. بدین معنی که مفاهیم متداول سن، ثابت و تغییرنا پذیر نیستند بلکه بی ثبات و متغیرند. میشل فوکو^{۱۹} از نظریه پردازان فرا ساختارگرا با توصیف امر به هنجار سازی و از بین بردن بی انضباطی اجتماعی و روانی و با هدف تربیت انسانهایی مطیع و سود آور در جامعه، سرای سالمندان را جزء روشهای انضباطی به ذهن می آورد. رفتارهای آمرانه، خشک و یکنواختی که در گروه های اجباری از جمله سرای سالمندان اعمال می شود مشمول ادعای فوکو در اعمال نظارت بر سالمندان در جوامع مدرن است. در فحوای شکایات سالمندان مقیم در آسایشگاه سالمندان می توان بی اختیاری و از بین رفتن سوژگی و قدرت را در رویه نظم سراسر بین آسایشگاه که توأم با تلقین انفعال و له شدن سوژگی در فرد است به وضوح با مشاهده مشارکتی لمس کرد. در مورد نظریه های مرتبط با متغیر مستقل ساختار خانواده ضمن بررسی این نظریات به تقابل نظریه پارسونز از رویکرد کارکردگرایی با نظریات فمینیسم بر می خوریم. کارگردگرایان به نقش و سمت در کمک به ثبات جامعه تاکید دارند در حالیکه فمینیستها خانواده را بستری برای مناسبات سلطه می دانند که می تواند به برخورد، خشونت، و توزیع غیر منصفانه کار و منابع بیانجامد. "خانواده صحنه ای نا برابر است که زنان در آن به انقیاد کشیده می شوند و نقش ایشان تداوم می یابد. به نظر فمینیستها موقعیت فرودستی زن یا مادر نسبت به شوهر یا پدر تا حدی معلول وابستگی اقتصادی است (اعزازی، ۱۳۸۲: ۱۱۴). از این نظریه در توضیح چرایی تغییر نگرش زنان شاغل در جامعه در جهت خدمت رسانی و تیمار داری از سالمندان استفاده شده به این معنا که تغییراتی در جامعه رخ داده که نگرش زن سنتی و نقش و تعریف وظایف زن به عنوان پرستار و تیمار دار سالمندان را تغییر داده است. در نظریه خانواده پست مدرن با تغییر در تعریفی که

در دوران سنتی و مدرن از خانواده می شده مواجهیم که نوعی بی نظمی و آشفتگی در عرصه اخلاق را ایجاد کرده. از این نظریه در مورد تضعیف نقش زنان شهری در تیمار داری از سالمندان خانواده و تمسک به نهادهای اجتماعی به جای خانواده در برخی وظایف و از آن مهمتر کاهش میزان همدلی و افزایش فرد گرایی در خانواده استفاده شده است.

ابزار و روش

روش پژوهش از نظر مسیر توصیفی - تبیینی، از نظر هدف کاربردی و از نظر میزان ژرفایی، پهنانگر و از نظر زمان مقطعی است و روش گرد آوری داده ها نیز پیمایش بوده است. جامعه آماری این پژوهش کلیه ساکنان سرای سالمندان کهریزک در یک گروه و در مقایسه با کلیه سالمندان ساکن تهران در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران بوده است. حجم نمونه ۴۰۰ نفر در کل بوده که دو گروه ۲۰۰ نفری از سالمندان سرای کهریزک و سالمندان مقیم خانواده در شهر تهران با تدوین دو پرسشنامه جداگانه محقق ساخته، مورد بررسی قرار گرفتند. روش نمونه گیری در گروه اول (سالمندان کهریزک) تصادفی ساده و در گروه دوم (خانواده های شهر تهران) خوشه ای چند مرحله ای بوده است. ابزار به کار رفته برای گرد آوری داده ها پرسشنامه پژوهشگر ساخته بوده است که در جدول زیر اعداد بدست آمده برای سنجش پایایی ابزارها ارائه شده است، همچنین برای سنجش اعتبار ابزارها از اعتبار صوری استفاده شده است. در جدول زیر میزان پایایی همسانی درونی متغیرهای پژوهش که در ابزار مورد بررسی قرار گرفته اند، ارائه شده است.

جدول ۲: میزان آلفای بدست آمده برای هر یک از شاخص های تحقیق

ضریب آلفای کرونباخ		متغیرها
پرسشنامه سالمندان در منزل	پرسشنامه سالمندان در سرای سالمندان	
۹۴۵.۰	۹۳۸.۰	کیفیت ارتباطات انسانی
۸۰۳.۰	۷۹۰.۰	اعتماد درون خانوادگی
۷۵۵.۰	۷۷۳.۰	همدلی در درون خانواده
۷۴۴.۰	۷۱۲.۰	پایگاه اقتصادی اجتماعی
۸۶۹.۰	۸۷۹.۰	کل پرسشنامه

یافته ها

از مجموع ۴۰۰ پاسخگو که از دو گروه پاسخگو، سالمندان مقیم منزل و سالمندان مقیم سرای سالمندان کهریزک انتخاب شدند، از سالمندان منزل ۵۲ درصد مرد و ۴۸ درصد زن می باشند، میانگین سن پاسخگویان مرد ۷۴ و میانگین سن پاسخگویان زن ۷۲ سال بوده. در بین سالمندان مقیم سرای سالمندان ۵۴ درصد مرد بوده اند که میانگین سن مردان ۷۷ و زنان ۷۹ سال است. میانگین سن مردان ساکن سرای ۷۷ سال و زنان ساکن سرای ۷۹ سال بوده است. در مورد وضعیت تاهل، بالاترین درصد مربوط به مردان متاهل ساکن منزل، ۵۹ درصد و در سالمندان سرای بالاترین درصد مربوط به همسر فوت کردگان زن حدود ۷۰ درصد بوده است. قومیت غالب پاسخگویان فارس ها ۴۰ درصد مرد و ۵۰ درصد مرد و پس از آن قومیت آذری بوده که ۴۰ درصد مردان و ۲۴ درصد زنان تشکیل داده اند. بالاترین تعداد نما را در وضعیت تحصیلات در سالمندان ساکن منزل ۴۶ درصد و در سالمندان مقیم سرای سالمندان کهریزک ۴۰ درصد بی سواد بوده اند. در آمد ماهیانه، در بین سالمندان منزل ۷۳ درصد از درآمد ماهیانه برخوردار بوده اند و میانگین درآمد آنها یک میلیون و ششصد هزار تومان در ماه بوده، در حالی که در بین سالمندان مقیم سرای سالمندان کهریزک ۹۲ درصدشان اعلام کرده اند که از درآمد برخوردار نیستند و میانگین درآمد آنان سیصد و هزار تومان است. در مورد شغل پاسخگویان ساکن در منزل، بیشترین تکرار "خانه داری" بوده و برای ساکنین سرای سالمندان بیش از یک چهارم پاسخگویان (۲۸ درصد) کارگر فنی بوده که در سرای سالمندان کهریزک مشغولند. در مورد داشتن یا نداشتن اتومبیل شخصی،

نیمی از سالمندان مقیم منزل اتومبیل شخصی داشتند در حالیکه ۹۴ درصد از سالمندان ساکن سرا فاقد وسیله نقلیه اند. وضعیت مسکن سالمندان مقیم منزل نشان می‌دهد که ۶۵ درصد پاسخگویان منزل شخصی داشتند ولی در بین گروه دوم سالمندان مقیم کهریزک اکثراً فاقد مسکن بوده و گزینه سایر را انتخاب کرده اند. موضوع بعدی مورد پرسش سلامت جسمانی بوده که در ساکنین منزل ۴۱ درصد سلامت کم، ۳۲ درصد متوسط و ۲۷ درصد اظهار داشته اند که از سلامت جسمانی خوبی برخوردارند اما در مورد ساکنین سرای سالمندان نتایج حاکی است که سلامت آنان ۴۹ درصد کم، ۳۱ درصد متوسط و ۲۰ درصد گفته اند که از سلامتی در حد زیادی برخوردارند. سوالی در مورد رسیدگی اعضای خانواده به امور سلامت جسمانی سالمندان پرسیده شد که سالمندان مقیم منزل ۸/۵ درصد اظهار کرده اند که خیلی زیاد به سلامت آنان رسیدگی می شود در حالی که در بین ساکنین سرای سالمندان ۱/۵ در صد این رسیدگی را خیلی زیاد و ۱۹ درصد خیلی کم دانسته اند. در ساکنین منزل در مورد استمداد از دیگران برای تامین سلامت ۲/۵ درصد خیلی زیاد از دیگران استمداد می خواهند ولی در ساکنین سرای سالمندان ۲۷/۵ درصد خیلی زیاد از دیگران استمداد می‌جویند. سالمندان ساکن منزل در مورد احساس بزرگسالی ۴۳/۵ درصد احساس بسیار خوبی داشته‌اند، ولی در بین ساکنین سرای سالمندان فقط ۱۸/۵ درصد دارای احساس بسیار خوب بوده‌اند. در گویه مهم ارزیابی از وضعیت زندگی در سالمندان مقیم منزل ۶۵ درصد زندگی خود را هدفدار، منظم، و شاد ارزیابی کرده‌اند، در حالی که در سالمندان ساکن سرا اکثریت سالمندان یعنی ۷۹ درصد زندگی خود را شلوغ و بهم ریخته و یا کسالت‌آور و خسته‌کننده ارزیابی کرده‌اند. از جمله مهمترین نتایج پژوهش می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- یکی از مهمترین ارکان ساختار خانواده کیفیت ارتباطات انسانی است، به این معنا که نگه داشت یا طرد سالمند تابعی از نحوه ارتباطات، مفاهمه، وفاق و هنر مدیریت گفتگو در خانواده است.

- بین کیفیت ارتباطات انسانی دو گروه تفاوت معناداری وجود دارد و به عبارت دیگر می‌توان گفت نگه داشت یا طرد سالمند تابعی از نحوه ارتباطات، مفاهمه، وفاق و هنر مدیریت گفتگو در خانواده است.

- بین نوع ساختار خانواده در زمینه اعتماد درون خانوادگی و جایگاه سالمند در خانواده ارتباط وجود دارد.

- بین اعتماد درون خانوادگی در خانواده دو گروه سالمندان مقیم منزل و سرای سالمندان تفاوت معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر می‌توان گفت که بین نوع ساختار خانواده در زمینه اعتماد درون خانوادگی و جایگاه سالمند در خانواده ارتباط وجود دارد. یعنی در خانواده‌هایی میزان اعتماد درون خانوادگی کمتر است، سالمندان بیشتر به سرای سالمندان فرستاده می‌شوند. یکی از مهمترین نیازهای روحی سالمندان نیاز به اعتماد است: افراد در همه موقعیت‌ها نیازمند آن هستند که احساس کنند: الف) رفتارهای دیگران قابل پیش بینی است ب) واکنش‌های دیگران مطابق با رفتار فرد است ج) واکنش‌های دیگران صادقانه است و د) واکنش‌های دیگران دلالت بر احترام به «خود» دارد. هنگامی که برای افراد این اجزای اعتماد در یک رابطه دوسویه تحقق یافت، احساسات مثبتی را تجربه می‌کنند (صادقی پور، ۱۳۹۲).

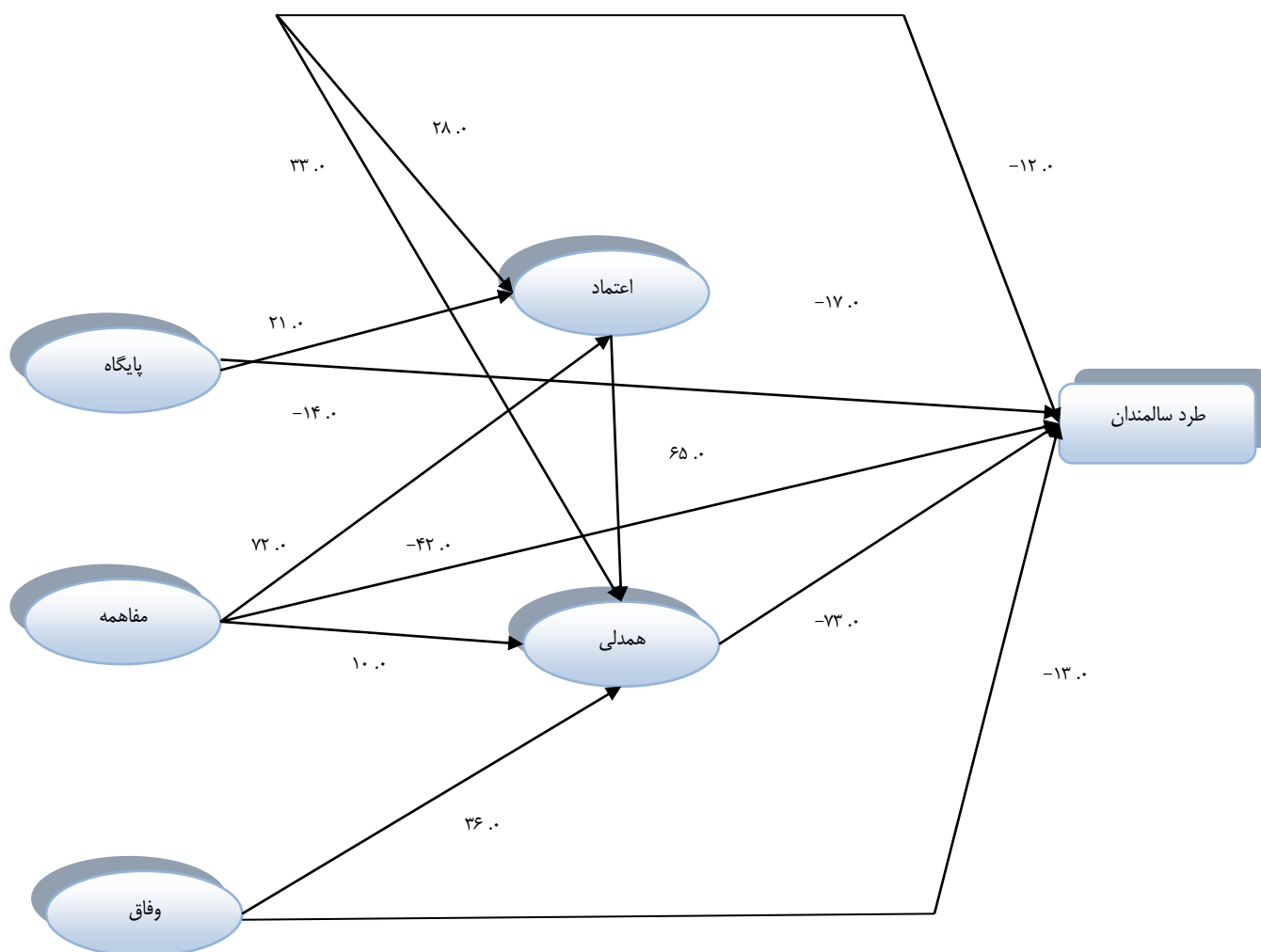
- میزان همدلی در درون خانواده، عنصر موثر و معنا داری در نگه داشت یا طرد سالمند از خانواده است. به عبارت دیگر می‌توان گفت که میزان همدلی در درون خانواده، عنصر موثر و معنا داری در نگه داشت یا طرد سالمند از خانواده است. وبر فیلسوف و تئورسین کلاسیک از نگاه کوزر معتقد است با تفسیر کردارها و گفتارهای انسانها، می‌توان انگیزه‌هایی را به اعمال آنان در بافت فرهنگ و کهنکشان معانی ذهنی کشفگر معنا کرد. "ما تنها در صورتی می‌توانیم به فهم کنش انسانی برسیم که به درون آن معانی ذهنی ای راه بریم که کنشگران به رفتارشان و نیز رفتار دیگران باز می‌بندند" (کوزر، ۱۳۷۹: ۳۰۳). همدلی با سالمند در بطن خانواده که شاهد تغییرات بیولوژیک، فرسایش جسمی و ناتوانی سالمند هستند با توجه به اشتراک فرهنگ و اطلاع از منظومه نیاز روحی و جسمی سالمند، امری سهل و ممتنع است و این مهم است که خانواده برای خود این رسالت را تا چه حد قایل بوده و اولویت را به سالمند در خانواده بدهد.

- پایگاه اقتصادی-اجتماعی سالمند بر جایگاه او در خانواده موثر است بدین نحو که سالمندانی که شخصاً دارای پایگاه اجتماعی-اقتصادی بالا هستند، در خانه پذیرایی می شوند و آن سالمندی که دارای پایگاه اجتماعی-اقتصادی پایین است به سرای سالمندان فرستاده می شود.

- بین پایگاه اقتصادی-اجتماعی در خانواده دو گروه تفاوت معناداری وجود دارد، به عبارت دیگر می توان گفت که پایگاه اقتصادی-اجتماعی سالمند بر جایگاه او در خانواده موثر است. بدین نحو که سالمندانی که شخصاً دارای پایگاه اجتماعی-اقتصادی بالا هستند، در خانه پذیرایی می شوند و آن سالمندی که دارای پایگاه اجتماعی-اقتصادی پایین است به سرای سالمندان فرستاده می شود. نتایج تحقیق صوفی نژاد (۱۳۷۶) حاکی است که زن بودن، بی سواد یا کم سواد، بی همسری، بی فرزندی، عدم تأمین مالی، بی مسکنی، نارضایتی از وضعیت محل سکونت، اختلاف اعضای خانواده، اعتقادات مذهبی ضعیف فرزندان در سپردن سالمند به آسایشگاه مؤثر است. در جدول زیر و با استناد به تحلیل مسیر صورت گرفته می توان به تاثیر مستقیم و غیر مستقیم هر یک از متغیر های پژوهش اشاره کرد:

جدول ۳: میزان تأثیر مستقیم و غیر مستقیم متغیرهای مستقل بر طرد سالمندان

متغیر مستقل	متغیر وابسته	اثر مستقیم	اثر غیر مستقیم	اثر کل
همدلی درون خانوادگی	طرد سالمندان	-۷۳۱ .۰	-	-۷۳۱ .۰
اعتماد درون خانوادگی		-۱۷۲ .۰	-۴۷۸ .۰	-۶۵۰ .۰
مفاهمه و مدیریت گفتگو		-۴۲۷ .۰	-۲۰۲ .۰	-۶۲۹ .۰
تفاهم درون خانوادگی		-۱۲۰ .۰	-۴۲۲ .۰	-۵۴۲ .۰
وفاق درون خانوادگی		-۱۳۰ .۰	-۲۶۸ .۰	-۳۹۸ .۰
پایگاه اقتصادی اجتماعی		-۱۴۳ .۰	-۱۳۷ .۰	-۲۸۰ .۰



مدل شماره ۱: تحلیل مسیر بین متغیرهای مستقل و وابسته

برای انجام تحلیل مسیر بر روی طرد سالمندان تمامی متغیرهای مستقل به برنامه رگرسیونی معرفی شدند. متغیرهای «اعتماد درون خانوادگی»، «همدلی درون خانوادگی»، «وفاق درون خانوادگی»، «مفاهمه و مدیریت گفتگو»، «پایگاه اقتصادی اجتماعی» و «تفاهم درون خانوادگی» به عنوان متغیرهای مستقل معرفی شدند و متغیر وابسته اصلی و نهایی این تحقیق، «طرد سالمندان» است که در این قسمت، به بررسی نتایج حاصل از آزمون تحلیل مسیر عواملی پرداخته می‌شود که بر ساختار خانواده تأثیر گذاشته‌اند. البته قبل از اشاره به این نتایج، باید گفت که متغیرهای مستقل به سه شیوه (الف - اثر صرفاً مستقیم، ب- اثر صرفاً غیرمستقیم، ج- اثر مستقیم و هم غیرمستقیم) و با ضریب بتاهای مختلف بر طرد سالمندان (بعنوان متغیر وابسته) تأثیر داشته‌اند که در زیر به ترتیب سهم نسبی تأثیر هر یک از این سه شیوه، به نتایج اشاره می‌شود:

متغیرهایی که بطور مستقیم بر متغیر وابسته تأثیر می‌گذارند.

متغیر "همدلی درون خانوادگی" (با ضریب ۰.۷۳۱-) تأثیر کاهنده بر طرد سالمندان دارد. به عبارت دیگر با افزایش همدلی درون خانوادگی، میزان طرد سالمندان کمتر می‌شود.

متغیر "اعتماد درون خانوادگی" (با ضریب ۰.۱۷۲-) تأثیر کاهنده بر طرد سالمندان دارد. به عبارت دیگر با افزایش اعتماد درون خانوادگی، میزان طرد سالمندان کمتر می‌شود.

متغیر " تفاهم درون خانوادگی " (با ضریب ۰.۱۲۰-) تأثیر کاهنده بر طرد سالمندان دارد. به عبارت دیگر با افزایش تفاهم درون خانوادگی، میزان طرد سالمندان کمتر می‌شود.

متغیر " مفاهمه و مدیریت گفتگو " (با ضریب ۰.۴۲۷-) تأثیر کاهنده بر طرد سالمندان دارد. به عبارت دیگر با افزایش کیفیت مفاهمه و مدیریت گفتگو در خانواده، میزان طرد سالمندان کمتر می‌شود.

متغیر " وفاق درون خانوادگی " (با ضریب ۰.۱۳۰-) تأثیر کاهنده بر طرد سالمندان دارد. به عبارت دیگر با افزایش وفاق درون خانوادگی، میزان طرد سالمندان کمتر می‌شود.

متغیری که علاوه بر تأثیر مستقیم بصورت غیر مستقیم (با واسطه سایر متغیرها) بر طرد سالمندان تأثیر می‌گذارد:

متغیرهایی که علاوه بر تأثیر مستقیم، بصورت غیرمستقیم و از طریق متغیرهای وابسته میانی بر متغیر وابسته نهایی (طرد سالمندان) تأثیر می‌گذارند، عبارتند از:

متغیر " اعتماد درون خانوادگی " علاوه بر تأثیر مستقیم (با ضریب ۰.۱۷۲-) با واسطه متغیر همدلی درون خانوادگی (با ضریب ۰.۶۵۵) تأثیر کاهنده بر طرد سالمندان دارد.

متغیر " تفاهم درون خانوادگی " علاوه بر تأثیر مستقیم (با ضریب ۰.۱۲۰-) با واسطه متغیر همدلی درون خانوادگی (با ضریب ۰.۳۲۲) تأثیر کاهنده بر طرد سالمندان دارد. همچنین این متغیر با واسطه متغیر اعتماد درون خانوادگی (با ضریب ۰.۲۸۹) تأثیر کاهنده بر طرد سالمندان دارد.

متغیر " وفاق درون خانوادگی " علاوه بر تأثیر مستقیم (با ضریب ۰.۱۳۰-) با واسطه متغیر همدلی درون خانوادگی (با ضریب ۰.۳۶۷) تأثیر کاهنده بر طرد سالمندان دارد.

متغیر " مفاهمه و مدیریت گفتگو " علاوه بر تأثیر مستقیم (با ضریب ۰.۴۲۷-) با واسطه متغیر همدلی درون خانوادگی (با ضریب ۰.۱۰۷) تأثیر کاهنده بر طرد سالمندان دارد. همچنین این متغیر با واسطه متغیر اعتماد درون خانوادگی (با ضریب ۰.۷۲۶) تأثیر کاهنده بر طرد سالمندان دارد.

متغیر " پایگاه اقتصادی اجتماعی " علاوه بر تأثیر مستقیم (با ضریب ۰.۱۴۳-) با واسطه متغیر اعتماد درون خانوادگی (با ضریب ۰.۲۱۱) تأثیر کاهنده بر طرد سالمندان دارد.

بحث و نتیجه گیری

خانواده به عنوان نمادی از کوچکترین نهاد اجتماعی پیوندی است که با ازدواج و آمال هر انسانی شکل می‌گیرد و با بسط آن به واحدی اجتماعی تبدیل می‌شود که در چرخه زندگی و فراز و نشیب‌های کم و بیش، عرصه آزمونی برای ابناء بشر در موضع گیری‌های مختلف است. در واقع این فرایند نوعی مسابقه کنش استراتژیک در پایداری و ایثار برای اعضای خود است. این گروه نخستین در عرصه کشمکش‌های پیش‌بینی نشده با وظیفه‌شناسی و گذشت، بر خلاف گروه‌های ثانوی که کنشهای پر از رقابت و تنازع بقا را از سر می‌گذرانند، سرشار از کنش عقلانی عاطفی و معطوف به ارزش بوده و در شرایط بحران و آن‌گاه که عضوی از ارگان خانواده دچار بد کارکرد و نیاز، یا حتی کژکارکرد شود؛ بدون تاخیر و تردید آستین بالا زده و به مصلحت کل این پیکر، می‌اندیشد. سالمند در خانواده گسترده جایگاهی ویژه دارد و به عنوان عضوی از خانواده گسترده توقع این پایمردی از خانواده را مسلم می‌پندارد. اما در خانواده هسته‌ای که به واسطه صنعتی شدن و توسعه شهرنشینی در دهه‌های گذشته رو به فزونی داشته، این هم بستگی شرط لازم است اما شرط کافی داشتن امکانات مادی و معنوی در ایفای نقش در راستای خود بسندگی خانواده و حمایت مشارکتی از فرد مددجو می‌باشد. حال چنانچه سالمند خانواده که پیشکسوت خانواده است در گذر لاجرم عمر و با افزایش سن دچار کهولت و نیازمند کمک باشد، در فرهنگ ما اکثریت قاطعی از خانواده‌ها علیرغم مزیقه‌هایی در زندگی

پر آشوب امروزه در کلانشهرها بی درنگ فداکاری می کنند. در پاره ای از خانواده ها تمرین هم بستگی و ایثار یا با جامعه پذیری نادرست به خصوص در خانواده های فرزند عزیز القاء و تفهیم نشده و گاه آموزش بوده ولی مقدرات اجازه نمی دهد که خانواده از سالمندان توان خود تیمار داری و پرستاری کند. این مسئله ولو با فراوانی کم در منظومه فرهنگی ما جزء کژکارکرد های خانواده هسته ای محسوب می شود. این مقاله گامی در ساخت دو گونه آرمانی از خانوادهایی است که در تکریم و نگه داشت سالمند می کوشد، در مقابل گروه دومی که سالمند خود را به عللی به سرای سالمندان می فرستند. همان طور که در نتایج پژوهش ذکر شد، مهمترین تاثیر در کاستن از عوامل ریسک سپردن سالمند به سرا و دفع او از مراقبت خانوادگی، متغیر همدلی با (ضریب تاثیر حدود ۰/۷). در رگرسیون و تحلیل مسیر نشان داده شده، با این مضمون که "همدلی درون خانوادگی" (با ضریب ۰/۷۳۱-) تأثیر کاهنده بر طرد سالمندان دارد. به عبارت دیگر با افزایش همدلی درون خانوادگی، میزان طرد سالمندان کمتر می شود. "خانواده زیستی خانواده ای است برخوردار از مشروعیت اجتماعی ولیک فاقد توان یا قصد حضانت از فرزندان و (سالمندان)، زمانی است که پدر و مادر به صورت والد و والده ایفای نقش نمایند، یعنی فقط رابطه زیستی با فرزندان داشته باشند؛ فرزندان از خون و تبار آنان پدید آمده اند، اما در راه اجتماعی کردن فرزندان اقامی صورت نمی دهند و مسئولیتی در این جهت احساس نمی کنند. بی هیچ شبهه، خانواده، در این صورت فقط ابعاد زیستی خواهد داشت. " به نظر ما خانواده فاقد همدلی که در آن ضمن اطفاء نیازهای زیستی، توجهی به آموزش مسئولیت پذیری در کنش های متقابل خانوادگی و اجتماعی مبذول نمی شود، بذریع ایجاد فردگرایی و مغفول گذاشتن والدین در سالمندی را پایه گذاری می کند. ما در بخش نظری با الهام از کنش معطوف به ارزش ویر، بر تفهم کنشهای متقابل و حساس بودن به درک معانی ذهنی کنشگران در خانواده در مسیر ایجاد همدلی و ایثار در خانواده اشاره کردیم. وجود اعتماد در خانواده ایجاد پیوند عمیق عاطفی در میان اعضاء خانواده نموده و موجب امنیت خاطر برای سالمند می شود. وجود اعتماد، وفاق و مفاهمه نیز از شروط لازم در یک خانواده عاطفی-عقلانی است. از آن جا که یکی از فرضیه ها در رابطه با کوچک شدن فضای سکونت و طرد سالمند بود اشاره یی بر آن می شود. در کلان شهر های کشور ما پدیده آپارتمان نشینی به واسطه مهاجرت از روستا به شهر زیاد شده و همین تغییر مکان از شهرهای کوچکتر به بزرگتر زمینه تغییر روحیات و نگرشها علاوه بر تغییر سبک زندگی می شود. دورکیم این رویکرد را در قالب گرایشی تطوری قرار میدهد که گذارجوامع انسانی ازدوران پیش صنعتی (پیش از شهرنشینی) به دوران صنعتی (شهرنشینی) را در قالب گذران همبستگی ارگانیکی بررسی میکند. به عقیده دورکیم دلیل تبدیل وضعیت از همبستگی مکانیکی سازکارهای تقسیم است. تقسیم کار واکنشی است در کنترل منابع محدود. دورکیم همچنین به درونی شدن اخلاقیات از طریق آموزش و به ویژه جذب اخلاق اجتماعی از طریق جامعه پذیری فرد معتقد است. یعنی اخلاق اجتماعی ابتدادر سطح فرهنگی وجود دارد ولی افراد آنرا درونی می کنند در اصطلاح دورکیمی اخلاقیات عام در ما نفوذ میکند و قسمتی از شخصیت ما را شکل می دهد. محیط شهری و فرآیند شهر نشینی در دیدگاه دورکیم یکی از بسترهایی هستند که به دلیل شدت گرفتن فرآیند تغییر اجتماعی، سبب فراهم شدن موقعیت برای پدیده «بی هنجاری» می شوند. ناتوانی انطباق با تغییر به صورت خروج ازدایره آگاهی وجدان جمعی و از دست دادن همبستگی های اجتماعی خودرانشان میدهد و اثر اجتماعی آن عوارض و بیماریهای متفاوت است (جهانگیری، ۱۳۸۵). نتایج بدست آمده از این پژوهش، پیشینه مبانی فرهنگی ما را تایید می کند: کنش "هدفمند اما معطوف به ارزش" لازمه مبادلات اجتماعی و خانوادگی و بالاخص کنش متقابل با سالمندان است. ارتباطات عاطفی مثبت و کنش ارتباطی موجب مفاهمه و همدلی می شود. لازم به تاکید است که عاملی که در کنش ارتباطی خانواده در تحلیل مسیر نقش حداکثری داشته، همدلی در بین اعضاء خانواده با سالمند است. داشتن شخصیت انتقالی و خود را به جای سالمند گذاشتن، مانع ایجاد رنجش در برخورد های توأم با عصبانیت، شکاک بودن، تردید و کندی عکس العمل سالمند با اطرافیان می شود. چنانچه مفاهمه، وفاق و در یک کلام هنر مدیریت گفتگو در خانواده اعمال شود؛ منافع و یک پارچگی خانواده موجب فراهم شدن آرامش همه اعضاء خانواده است.

پی نوشت‌ها

1. Rabert
2. Helen Linder
3. Middel town
4. Kapla
5. Fentakis
6. Yan Kribe
7. Weber
8. verstehen
9. Max Weber
- 10 Marx
11. Freud
12. Communicative action
13. coined
14. Camper
15. Coming
16. Henry
17. Conflict perspective
18. Postmodernists
19. Michel Faucult

منابع

- آقانوری، علی؛ محمودصالحی، حمیده وجعفریان، کوروش (۱۳۸۹). بررسی کیفیت زندگی سالمندان تحت پوشش مراکز بهداشتی درمانی مناطق شهری استان مرکزی. **مجله سالمندی ایران**، سال ششم، شماره بیست و دوم
- اعزازی، شهلا (۱۳۸۲). **جامعه شناسی خانواده**. تهران: نشر روشنگران، چاپ سوم.
- پیوزی، مایکل (۱۳۷۹). **یورگن هابرماس**. ترجمه احمد تدین. تهران: نشر هرمس.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۱). **مقدمه‌ای بر جامعه شناسی خانواده**. تهران: انتشارات صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، چاپ چهارم.
- جهانگیری، جهانگیر و دیگران (۱۳۸۵). بررسی پیامدهای اجتماعی و فرهنگی آپارتمان نشینی در استان فارس، **مجله مطالعات اجتماعی ایران**، دوره اول، شماره ۱.
- صابریان، معصومه [...] و دیگران (۱۳۸۵). بررسی وضعیت سلامت روانی کارکنان دانشگاه علوم پزشکی سمنان، **مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی سمنان**. جلد ۸، شماره ۲
- علیزاده، مهتاب، متیوس، مارک؛ زکیا، حسین (۱۳۸۹). وضعیت سلامت جسمی و روانی و میزان استفاده از خدمات و مراقبتهای سالمندی در بین سالمندان ایرانی مقیم استرالیا و سایر سالمندان استرالیایی، **فصلنامه پایش** - سال نهم شماره چهارم.
- رضایی، سعید؛ منوچهری، مهشید (۱۳۸۷). بررسی و مقایسه اختلالات روانی سالمندان ساکن در خانه و سالمندان ساکن در سرای سالمندان در شهر تهران. **مجله سالمندی ایران**، سال سوم شماره ۷.
- ریترز، جورج (۱۳۸۰). **نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر**. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: علمی، چاپ پنجم.
- صادقی پور، شیوا (۱۳۹۲). بررسی تاثیر عوامل ساختاری بر گونه های کنش مشارکتی در خانواده. پایان نامه دکتری جامعه شناسی. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز.
- کوزر، لوییس (۱۳۷۹). **زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی**. ترجمه محسن ثلاثی انتشارات علمی، چاپ هشتم.
- یان کرایب (۱۳۸۲). **نظریه اجتماعی کلاسیک**. ترجمه شهناز مسمی پرست تهران: آگه.